

**Predigt zum Vorletzten Sonntag im Kirchenjahr, am 19.11.2023,
Erlöserkirche Düsseldorf (SELK)
Pfr. Gerhard Triebe**

Matthäus 25,31-46:

عیسی به شاگردان خود گفت: ۳۱ هنگامی که پسر انسان با جلال خود و با تمامی فرشتگان با او بیاید آنگاه بر تخت جلال خود خواهند نشست و ۳۲ تمامی امت‌ها در حضور او جمع خواهند شد و آنها را از یکدیگر جدا خواهد کرد. چنان که شبان گوسفندان را از بزها جدا می‌کند. ۳۳ و گوسفندها را در دست راست و بزها را در دست چپ خود خواهد گذاشت. ۳۴ آنگاه پادشاه به کسانی که در سمت راست خود هستند خواهد گفت: ای کسانی که از پدر من برکت دارید بیایید و پادشاهی را که از آغاز جهان برای شما آماده شده است به ارث ببرید. ۳۵ زیرا گرسنه بودم و به من چیزی دادی تا بخورم تشنه بودم و به من آب دادی من غریبه بودم و شما از من استقبال کردید. ۳۶ برهنه بودم و تو مرا پوشاندی. من مریض بودم و شما پیش من آمدید. ۳۷ آنگاه عادلان به او پاسخ خواهند داد و خواهند گفت: خداوندای کی تو را گرسنه دیدیم و به تو چیزی دادیم که بخوری؟ یا غریبه‌های تشنه را دیده‌اند و به شما نوشیدنی داده‌اند؟ ۳۸ کی پذیرای شما بودیم؟ پابرنه و لباس پوشیدی؟ ۳۹ چه زمانی تو را مریض یا در زندان دیدیم و نزد تو آمدیم؟ ۴۰ و پادشاه پاسخ خواهد داد و به آنها خواهد گفت: آینه به شما می‌گویم زیرا شما این کار را با یکی از کوچکترین برادران من انجام دادید با من نیز چنین کردید. ۴۱ سپس به کسانی که در سمت چپ هستند نیز خواهند گفت: ای ملعونان از من خارج شوید به آتش جاودانی که برای شیطان و فرشتگان او آماده شده است ۴۲ زیرا گرسنه بودم و به من غذا ندادی تشنه بودم و چیزی به من ندادی. ۴۳ من غریبه بودم و از من استقبال نکردی من برهنه بودم و تو به من لباس نپوشیده‌ای من مریض بودم و در زندان بودم و شما مرا ملاقات نکردید ۴۴ آنگاه خداوند کی تو را گرسنه یا تشنه یا غریب یا پابرنه یا بیمار یا در زندان دیدیم و تو را خدمت نکردیم؟ ۴۵ آنگاه به آنها پاسخ می‌دهد و می‌گوید: به راستی به شما می‌گویم زیرا شما این کار را با یکی از کوچکترین آنها انجام

ندادید و با من هم نکردید ۴۶ و آنها خواهند رفت، این‌ها به عذاب ابدی اما عادلان به زندگی جاودانی

جماعت عزیز، در راه بازگشت از همایش کلیسایی خود در هفته گذشته ما در ماشین بودیم و بحث می‌کردیم که امروز در مورد این مثل چه موعظه کنیم برخی استدلال می‌کردند که عیسی دستورالعمل‌هایی را در مورد چگونگی زندگی صحیح مسیحی ارائه می‌دهد گرسنگان باید سیر شوند تشنه‌ها باید چیزی بنوشند

بیماران و زندانیان را باید عیادت کرد و بی‌لباس‌ها را باید پوشاند از این گذشته او همیشه برای فقرا و ضعیفان می‌ایستاد به این ترتیب فرد اراده خدا را برآورده می‌کند و در زمره گوسفندان قرار می‌گیرد که در داوری نهایی از برکت خداوند برخوردار خواهند شد

من همیشه این دیدگاه را بسیار تهدید کننده می‌دیدم چون همیشه این استانداردها را رعایت نمی‌کردم چقدر عمداً به افرادی که در منطقه عابر پیاده نشسته‌اند و کلاه یا دست‌هایشان را به سمت من دراز می‌کردند به امید اینکه یک یورو برایشان باقی بماند چشم پوشی کرده بودم چقدر دیگر به گرسنگان اهمیت نمی‌دادم

مطمئناً هنوز چیزی برای نان برای دنیا باقی مانده بود اما حداکثر آن چیزی بود که بعد از برآورده شدن تمام خواسته‌ها و نیازهایم ضروری به نظر می‌رسید زندان بازدید شد بگو در این شرایط من فقط می‌توانستم کارتهای بد برای قضاوت نهایی خدا داشته باشم در واقع فقط لعنت می‌تواند به من برسد از من دور شوید

از من دور شوید ای ملعونان به آتش ابدی که برای شیاطین و فرشتگان او آماده شده است آیه ۴۱

از این رو به همکارانم پاسخ دادم از هر کس در اینجا درباره کردار یا عدم عملشان سوال می‌شود تعجب می‌کند خداوند چه زمانی تو را گرسنه دیدیم و گرفتار شدیم

یا تشنه هستند و چیزی به تو نوشیدنی داده‌اند؟ و غیره ظاهراً در قضاوت نهایی آنها هیچ دستاورد خاصی را که دوره ای از زندگی خود به دست آورده‌اند ارائه نمی‌کنند و از گرسنگان یا افراد نیازمند مراقبت می‌کنند. آنها حتی نمی‌دانند که کاری انجام داده‌اند که در اینجا قابل ذکر است. این برای او یک امر طبیعی بود و به همین دلیل در تینر انجیل امروز در بولتن خدمات نوشتیم: این در مورد پند و اندرز نیست، ایمان خود فراموش شده. و نه در مورد هیچ درخواستی برای مشارکت بیشتر اجتماعی. بحث ما در اینجا ایمان است که آنقدر در محبت خدا محفوظ است و به او توکل می‌کند که طبعاً آنچه لازم است و ضروری انجام می‌دهد.

بنابراین بحث من این نیست که در حال مبارزه باشم تا در پایان فرصتی داشته باشم. بلکه در پایان از تمام کارهای خوبی که انجام داده‌ام - و انجام نداده‌ام - شگفت زده خواهم شد. اما با توجه به هر چیز دیگری در کتاب مقدس، من نجات یافته‌ام نه به خاطر کارهای خوبی که دارم. بلکه تنها به خاطر کاری که خدا برای من کرده است نجات یافته‌ام. اگر به آن تکیه کنم، دیگر لازم نیست بترسم که به نقطه هدف نرسم. آنگاه من نیز برای همسایه و نیازهای او آزاد خواهم بود و آنگاه از «مبارکین» خواهم بود. من امروز می‌خواهم این را با کمال خوشحالی به شما اعلام کنم.

برخی از مردم دوست دارند این تمثیل را به عنوان نمونه کلاسیک مسیحیت به اصطلاح ناخودآگاه ذکر کنند. در این درک، قضاوت نهایی این نیست که آیا کسی به خدا ایمان داشته، با او دعا کرده، به نام او معجزه کرده و غیره، بلکه این است که آیا او نیاز همسایه خود را دیده است، آیا او کمک کرده است، حداقل جایی که می‌تواند. کمک. بلکه کسانی که ناخودآگاه فرمان خدا را به عشق انجام می‌دهند، جدا می‌شوند، و مسیحیت ناخودآگاه آنها در برابر اعتراف لیبیک کسانی قرار می‌گیرد که اغلب نام خدا را بر لبان خود دارند، اما نگران همسایگان خود نیستند. این همان چیزی است که هربرت براون، یکی از شاگردان بزرگ رودولف بولتمن، در کتاب عیسی خود می‌گوید. عیسی قاضی جهان است به گونه‌ای که احترام شخصی نمی‌خواهد، بلکه فقط می‌خواهد خودش را جایی پیدا کند» درگیر آنچه می‌خواهد می‌شود» (ص 127)

یکی دیگر از همکاران گفت که این درباره قضاوت نهایی در مورد همه مردم نیست، بلکه درباره قضاوت عیسی و «قومش در مورد جهان ملل است. بر این اساس، اگر بخوایم اینطور بیان کنم، مسیحیان از همان ابتدا «خارج خواهند بود. سرنوشت مردم با رفتار آنها در قبال کسانی که به عنوان کوچکترین برادران (و خواهران) عیسی صلح و عشق او را به مردم جهان حمل می‌کنند، تعیین می‌شود. این همکار گفت، کلمه کلیدی ضمیر پیشنهادی «این کمترین برادران من» است. عیسی به کسی اشاره می‌کرد، یعنی شاگردانش. درست همانطور که وقتی مادر و «برادرانش نزد او آمدند، به شاگردان و بقیه پیروانش اشاره کرد و گفت: «اینک، اینها مادر و برادران من هستند (متی 12:49). پس عیسی مردم را خطاب کرد و به شاگردانش اشاره کرد: «هر چه با این کوچکترین برادرانم» کردید، با من کردید

ما کشیش‌های دیگر نمی‌توانستیم به این راحتی با آن مخالفت کنیم. زیرا خیلی زود جامعه مسیحی یهودی خود را فقیر»، برادران و خواهران فقیر عیسی دیدند، و در عیسی مسیح فقیر فقرا را دیدند. همچنین واضح است که» شاگردان عیسی نماینده کلیسای بعدی هستند، بنابراین به عنوان اولین جامعه. پس هر کس در همه بدبختی‌ها و آزارهایشان در گرفتار و کردار مهربانانه به آنها اعتراف کند، قاضی جهانی نیز برای آنها اعتراف خواهد کرد. در این منظر، جامعه محلی مورد توجه قرار می‌گیرد که از مبلغان تحت آزار و اذیت و پناهندگان مذهبی مراقبت می‌کند.

ضمناً همانطور که در خانه دوباره خواندم، این تعبیر سنتی هم هست. در مسیح، شخص داماد آسمانی را دید که با کلیسای خود متحد شده بود، که در مسیحیان خود زندگی می‌کند و رنج‌ها و مشکلات آنها را بر عهده می‌گیرد. و این دیدگاه قطعاً در متن پشتوانه دارد. اما حتی در درازمدت هم نمی‌تواند رضایت‌بخش باشد، زیرا به اندازه کافی موقعیت مشخصی را که عیسی این کلمه را در آن بیان می‌کند در نظر نمی‌گیرد و در حال حاضر بیش از حد دگماتیسم شده است.

چرا همه اینها را با جزئیات می‌گوییم؟ زیرا این مثل اغلب مورد سوء استفاده قرار می‌گیرد. به همان اندازه که مراجعه به همسایه نیازمند خود، شاید به ویژه به فردی که به خاطر انجیل به چنین نیازی رسیده است، مهم و درست

است، عیسی برای هیچ برنامه ای برای سیاست اجتماعی در اینجا درخواست نمی کند. او پادشاهی آینده خدا را اعلام می کند. و با توجه به این پادشاهی که در راه است، عدالت جدیدی را می طلبد که بهتر از قبلی باشد. از ما درباره این عدالت بهتر می پرسد؛ مثلاً از ما می پرسد که آیا طوری کمک می کنیم که به اعمال خود نگاه نکنیم؟ اساساً این مسئله قلب جدیدی است که حزقیال نبی و عده داده است. تنها جایی که این قلب جدید است، یک کنش جاری در عشق ممکن است. و قاضی جهانی هر تظاهرات محبتی را طوری حساب می کند که گویی به او نشان داده شده است.

جامعه عزیز، مثل جای خود را در دعوت عمومی عیسی برای توبه دارد. از طریق موعظه و کار عیسی، افرادی باید ظهور کنند که به این معنا خیرات نشان دهند.

اکنون تقاضای عیسی برای توبه تنها در صورتی یک قانون اساسی خواهد بود. اما عیسی نه تنها خواستار تغییر دین شد، بلکه آن را در فیض خود به وجود آورد. این را قبلاً می توان در عهد عتیق مشاهده کرد. همیشه جملاتی مانند این وجود دارد: و مرا سیر کردی و آب دادی و پناهم دادی و تو... و تو. همیشه قبل از چنین جملاتی دستوری وجود دارد که منجر به خروج می شود. مثلاً خداوند به ابراهیم فرمان می دهد و او به راه می افتد، موسی را صدا می کند و موسی می رود، پیامبرش را می فرستد و پیامبر کلام را می رساند.

منظور من از آن چیست؟ این واقعیت که نویسندگان کتاب مقدس می خواهند بارها و بارها با ساختارهای جمله ای این چنین روشن کنند: اینجا، از سر نیاز خاموش، از بدبختی همسایه، فریاد کمک و حتی بیشتر از آن، فرمانی از سوی خود خدا بود. صادر شده گوش کنید و دنبال کنید. برعکس، نیاز خاموش همسایه‌شان برای کسانی که فقط روی خودشان تمرکز می‌کنند، خاموش می‌ماند. آنها چیزی نشنیدند، نه فریاد بدبختی و نه اندرز خود خدایشان - چه او را خدای خود بشناسند و چه نشناسند. و این قضاوت حتی اگر دلایل خوبی برای کمک نکردن داشته باشند، اعمال می شود.

پس از جنگ جهانی دوم گفته شد: "همه آنها گناهکارند، آلمانی‌ها" و برخی از مردم ممکن است در بدبختی پناهندگان بمیرند، که در آن یخ زدند، از گرسنگی و خستگی گریختند، یا در اردوگاه‌های منحنی فرو رفتند. ، حتی تجربه و لذت بردن از واقعیت قضای الهی با لرزه خاصی. اما بعداً دیگران بودند که به سادگی کمک کردند، بسته های مراقبتی فرستادند و اجازه ندادند تحت تأثیر خلق و خوی عمومی قرار گیرند.

آیا این آری اهریمنی به بدبختی دیگران امروز هم وجود ندارد؟ این که تا حدی سزاوار بدبختی او باشد. که بتوانید با آن وجدان خود را آرام کنید. این که حاضر نیستی کمک کنی، حتی اگر مسیحی باشی و هر روز نام پروردگارت را به زبان بیاوری.

و سپس دیگران هستند که کمک می کنند، اما از روی وظیفه یا به دست آوردن بهشت. من چیزی را به تافل یا دیاکونی اهدا می کنم، اما از صمیم قلب امیدوارم که هرگز مستقیماً با یکی از این افرادی که به کمک نیاز دارند کاری نداشته باشم. من کیف پولم را در مراسم جشن جمع آوری کمک های مالی در تلویزیون باز می کنم زیرا نام من و مبلغ آن روی صفحه ظاهر می شود. من کمک می کنم زیرا یک مسیحی باید این کار را انجام دهد و بنابراین هیچ کس نمی تواند من را به چیزی متهم کند. من همه چیز را به طرف مقابل می دهم جز قلبم. اساساً، همه این رفتارها صرفاً برای بهبود زندگی شماسست، حتی از راه های مذهبی. اما عیسی از مثل خود استفاده می کند تا روشن کند که همه چیز برای کسانی که به او ایمان دارند متفاوت است.

نکته منحصر به فرد این آثار رحمتی نیست که او اینجا از آن صحبت می کند. آنها در جاهای دیگر وجود داشته و وجود دارند، برخی حتی قبل از عیسی. با این حال، آنچه اساساً جدید است این است که کسانی که این کارها را انجام داده اند در قضاوت نهایی به آنها مباحثات نخواهند کرد و حتی متوجه نمی شوند که آنها کار خارق العاده ای انجام داده اند. با توجه به تسویه حساب نهایی، هدف جمع آوری امتیازات اضافی نبود، بلکه بیشتر برای کمک با تمام وجود در جایی که نیاز بود. زیرا آنها خود اوقات گرسنگی و تشنگی را تجربه کرده‌اند که در این مثل توسط قاضی با بدن و خون خود که برای آنها قربانی کرد، سیر و سیراب شدند. به عنوان افرادی که غریبه بودند، یعنی حق نداشتند با او زندگی کنند، تجربه کردند که چگونه آنها را به خانه خود، به کلیسا دعوت کرد. آنها آموختند که چگونه آنها را که از بدو تولد از نظر روحی برهنه بودند، جامه نجات و ردای عدالت می پوشاند. هنگامی که آنها

بیمار بودند، او طبیب بود که آنها را تسلی داد و شفا داد، و هنگامی که در دام گناه و زودگذر افتادند، آنها را آزاد کرد.

هرکسی که امروز بار دیگر با چنین برکتی به زندگی روزمره خود ادامه دهد، به طور خودکار نگاه محبت آمیز را دریافت خواهد کرد و مانند مسیح، به کوچکترین برادران و خواهران خود عاشق خواهد شد. و در پایان او خواهد توانست با سپاسگزاری همراه با مسیحیان خود بشنود: "اینجا بیایید، ای برکت دهندگان پدر من، ملکوتی را که از آغاز جهان برای شما آماده شده بود به ارث ببرید." آمین